

از بادبزنی تا کولر گازی

۲

این دست کوچک که کنترل را پیدا کرده و آهسته به سمتش می‌خزد مال من است. تصمیم دارم سرعت را ببرم بالا و دما را بیاورم پایین ولی کنترل مقاومت می‌کند. هی عقب‌تر و عقب‌تر می‌رود. فکر کنم تمام نگرانی‌اش مصرف برق است.



بهاره فتح‌نیا



۱

این کنترل کولر گازی است که زیر مبل قایم شده است. این هم پدر من است، کسی که تمام روزهای گرم تابستان سرعت کولر گازی را روی کندترین حالت ممکن قرار می‌دهد و کنترل را در جاهای عجیب و غریب پنهان می‌کند تا برق زیاد مصرف نشود.

۳

بابا می‌گوید:
«سرگرمی جالبی بود. وقتی کوچک بودیم، دهانمان را جلو پنکه می‌گرفتیم و می‌خواندیم: ااا... ااا... ااا... ااا... گاهی با خواهرها و برادرهایم، همگی، یک گروه موسیقی تشکیل می‌دادیم و می‌خندیدیم.»

